

مهدویت و رسیافت تمدنی:

کاوش‌هایی نظری و راهبردی در تمدن نوین اسلامی
(برترین مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت)

(جلد ۲)

دبیر علمی:

سید مسعود پور سید آقایی

به اهتمام:

سید مجید امامی

کارمشتک مؤسسه آینده روشن

و

دانشکده فرهنگ و ارتباطات امام صادق (ع)

فهرست مطالب

.....	سخن ناشر	۹
.....	مقدمه	۱۱
.....	بخش سوم: انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی و پیش‌تتمنی	۱۷
.....	معرفی بخش سوم	۱۹
.....	فصل ۱۸. تمدن نوین اسلامی؛ تجلی بازگشت و از سرگیری انقلاب محمدی (ص)	۲۱
	حجه الاسلام و المسلمین حسن ابوترابی	
.....	فصل ۱۹. امنیت، عدالت و رفاه؛ صراط جهان اسلام بسوی تمدن سازی و پیشگامی انقلاب اسلامی	۲۵
	اسماعیل احمدی مقدم	
.....	فصل ۲۰. گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چارچوب ظرفیت تمدنی	۳۱
	دکتر محسن الویری / محمدرضا برزویی	
.....	فصل ۲۱. بازتعریف هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مناسب انقلاب اسلامی، در گذار از مدرنیته اسلامی به سوی تمدن زمینه‌ساز و بایسته‌های سیاستی برآمده از آن	۶۵
	سیدمجید مطهری نژاد / دکتر سعید خزایی / دکتر محمدهادی همایون	
.....	فصل ۲۲. مهدویت، انقلاب اسلامی و فرهنگ متعالی تمدن‌ساز	۱۰۱
	دکتر رضا رمضان نرگسی	

- بخش چهارم: بحران تمدنی، جستجوی نجات و امید به موعود ۱۴۱
- معرفی بخش چهارم ۱۴۳
- فصل ۲۳. موعودگرایی در غرب، از اعتقاد ناانتقاد؛ سیری در مبانی و مفاهیم موعودپژوهی
معاصر ۱۴۵
- دکتر سیدمجید امامی / عباس خورشیدنام
- فصل ۲۴. تمایز مبانی تمدن مهدوی با تمدن غرب و عوامل بستری آن ۱۷۹
- دکتر مجید احمدی کجایی
- فصل ۲۵. بحران‌سازی تمدن غرب و آینده‌سازی برای طرح تمدن موعود ۲۰۱
- کامبیز فتح معماری / زهرا یگانه
- فصل ۲۶. بحران‌های بنیادین تمدن موجود غرب و نقش آن در بسترسازی برای طرح تمدن
موعود ۲۲۷
- مرتضی داوردپور
- فصل ۲۷. تقابل اندیشه‌های تمدن‌ساز قرن بیست و یکم؛ از پست مدرنیسم غرب تا
انتظار شیعه ۲۵۹
- محمد رضا محترم / پدرام پیشواییان / مهدی عیدی
- بخش پنجم: مسائل و آموزه‌های فرهنگی اجتماعی: ظرفیت‌ها و راهبردها ۲۷۳
- معرفی بخش پنجم ۲۷۵
- فصل ۲۸. نقش عوامل معنوی در رویش و بالندگی تمدن ۲۷۷
- دکتر سیدحسین شرف‌الدین
- فصل ۲۹. ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگوآفرینی آن در فرهنگ و تمدن
زمینه‌ساز ظهور ۳۱۵
- ظهیر احمدی
- فصل ۳۰. بازخوانی نقش گفتمان انتظار در مهندسی فرهنگ مقاومت ۳۵۳
- محمد علی فلاح علی‌آباد / دکتر امیر محسن عرفان
- فصل ۳۱. الزامات شکل‌گیری هویت تمدنی در افق مهدوی ۳۷۹
- مجتبی کاظمی

فصل ۳۲. بررسی تطبیقی انتظار و هویت فرهنگی و تمدنی در شعر معاصر عربی و فارسی ۴۱۱	حدیث بابایی / دکتر کبری خسروی
نخشم: ربیافت مدیریتی و اقتصادی با ظرفیت باور ابروها ۴۵۷	
فصل ۳۳. مدل سازی ویژگی های نیروی انسانی در راستای تحقق تمدن زمینه ساز؛ برداشتی از روش متدولوژی سیستم های نرم (SSM) ۴۵۹	دکتر غلامرضا گودرزی
فصل ۳۴. امام و امت، ارکان تمدن الهی در ادعیه انتظار ۴۷۷	علی ربیانی
فصل ۳۵. راهبردها و راهکارهای اقتصادی تحقق فرهنگ و تمدن زمینه ساز ۵۰۳	محمد فرج الله زاده / سید مهدی خادم / علی محمد سالاری / علی رضا افتخاریان قمصری
فصل ۳۶. اصول اخلاقی و اقتصادی تمدن زمینه ساز ظهور با رویکرد قرآنی ۵۱۹	محمد داوود محمدی
فصل ۳۷. «افق مهدوی» و تکوین چشم انداز «تمدن زمینه ساز» در آینده ایران اسلامی ۵۴۳	دکتر ابوذر مظاهری
فصل ۳۸. بررسی نظام کارکردهای آینده پژوهی در تبیین آموزه های مهدویت ۵۷۱	حمیدرضا کاشف / بهنام گلناری آذر
فصل ۳۹. شاخصه های حکومت مهدوی برای تحقق صلح و امنیت جهانی ۵۸۵	دکتر احسان سامانی
فصل ۴۰. بازسازی نظری اقتصاد مقاومتی مبتنی بر اخلاق؛ زمینه ساز تمدن مهدوی ۶۲۳	رحیم دهقان
فصل ۴۱. نقش مدیریت جهانی در تحقق فرهنگ و تمدن اسلامی ۶۴۷	دکتر ثریا قطبی / دکتر عبدالرضا بیگی نیا / مریم رستمی
فصل ۴۲. راهبردهای اقتصادی تحقق فرهنگ و تمدن زمینه ساز ۶۷۱	محمد داوود محمدی
نمایه ۷۰۵	

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهره مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق علیه السلام** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

اللهم واحی به القلوب المیتة و اشف به الصدور الوغرة و اجمع به الالهواء
المختلفه على الحق و اقم به الحدود المعطلة و الاحکام المهمله حتى لا يبقى
حق الا ظهر و لا عدل الا زهرو اجعلنا يا رب من اعوانه و مقويه سلطانه^۱
ظرفیت بی بدیل رهیافت تمدنی در سنجش کارآمدی نظام‌های اندیشه‌ای
و خیزش تمدنی مسلمانان در دوران شکوه، لزوم بیداری و احیای انسانی و
اسلامی و خروج از بحران و ضرورت همپایی یک مسلمان با شرایط محیطی
امت اسلامی، از مهم‌ترین ضرورت‌های اتخاذ رویکرد فرهنگی و تمدنی به
آموزه‌های اسلامی است. تبیین و ارائه آموزه مهدویت در چارچوب مطالعات
فرهنگی و تمدنی افق‌های جدیدی فراروی پژوهشگران و اندیشمندان
می‌گشاید. رویکرد تحول‌گرا و تمدنی به آموزه مهدویت تصویرگر فهمی
تازه و ارائه برداشتی نوآمد از نقش‌آفرینی این آموزه در اعمار و احیای
جامعه و انسان است که واعمراللهم به بلادک و احی به عبادک...^۲ نگاه
سطحی، تلقی صرفاً مناسکی، حداقلی و رویکرد ساده‌انگارانه به این آموزه
آسیبی است که می‌تواند متوجه این اندیشه شود؛ چنان‌که حرکت عالمانه و
رویکرد فرهنگی و تمدنی می‌تواند زمینه‌ساز تحقق اهداف عالی این آموزه

۱. سید بن طاووس : جمال الاسبوع، دعای غیبت وارده بعد نماز عصر جمعه

۲. دعای عهد، در در بیانی سلیبی هم ظهور حضرت در مقابل کسانی است که ضلالت آفرینند و
بلاد و حیات مردمان را تخریب و فاسد کردند:... و اضلوا عبادک و اخرجوا بلادک (سید بن
طاووس، همان)

شود. انتظار یعنی آمادگی و زمینه‌سازی، یک حالت نیست، بلکه عمل است؛ بهترین عمل است: «افضل الاعمال، انتظار الفرج»^۱. این اندیشه در تحقق تمدن اسلامی، چه در گذشته تاریخ و چه آینده‌ای که پیش رو داریم، چه تأثیری دارد؟ دغدغه مقام معظم رهبری در چند سال گذشته با طرح ایده "تمدن نوین اسلامی" متفاوت از رویکردهای صرفاً تاریخی و توصیفی، بر همین اساس بازخوانی میشود. باید دید در سیر و سیره نهضت اسلامی معاصر به رهبری امام خمینی قدس سره، به سوی احیای تمدن اسلامی، اعتقاد به فرجام توحیدی و نجات بخش جهان(اعم از عالم/ نشئه دنیا و مرحله انتقالی دنیا به عالم بالاتر) و در یک کلام مهدویت، در حوزه اخلاق و تربیت و هنر و سیاست و اقتصاد و... چه تأثیری دارد؟ اندیشه‌ای که در تاریخ کهن ما ریشه داشته باشد و بتواند توده‌های مردم را بسیج کند و در هشت سال جنگ کفر علیه اسلام که همه در برابر یک بیداری اسلامی قد علم کرده بودند، بتواند ما را پیروز کند، همین اندیشه است. اندیشه‌ای که اساس نظام سیاسی ماست و در آن، ولایت فقیه به عنوان نایب امام زمان(عج) است، شور می‌آفریند و می‌تواند تخته نجاتی در برابر همه لرزه‌ها و پسر لرزه‌های این دریای مواج باشد. در مکتب امام خمینی قدس سره **انقلاب اسلامی، ذاتا انقلابی زمینه‌ساز و تمدن‌گراست. این رهیافت تمدنی به طور تفصیلی در بیان و مواضع و هدایت‌های مقام معظم رهبری محقق شده است:**

... فقط جلوی پای خودمان را نبینیم - آینده‌ی دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیتهای امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرنهای اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسلهای جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام میتواند این نسلها را به آفاق جدیدی برساند، دلهای آنها را شاد کند و آنها را آن‌چنان‌که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این. و شما هسته‌های مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدنید.

آینده متعلق به شما است. سازندگان آینده‌ی کشور و آینده‌ی این تمدن و در واقع آینده‌ی جهان، شما جوانهای امروزید (۹۳/۲/۳۱)

امروز، وظیفه‌ی امت اسلامی تنها این نیست که به یادبود ولادت پیغمبر یا بعثت پیغمبر جشن برپا کند؛ این کار کوچک و کمی است نسبت به آنچه وظیفه‌ی او است. دنیای اسلام امروز وظیفه دارد مثل خود اسلام و مثل خود پیغمبر، روحی در این دنیا بدمد، فضای جدیدی ایجاد کند، راه تازه‌ای را باز کند. ما به این پدیده‌ای که در انتظار آن هستیم می‌گوییم «تمدن نوین اسلامی». ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت؛ این تفاوت اساسی دارد با آنچه قدرتها درباره‌ی بشریت فکر میکنند و عمل میکنند؛ این به معنای تصرف سرزمین‌ها نیست؛ این به معنای تجاوز به حقوق ملتها نیست؛ این به معنای تحمیل اخلاق و فرهنگ خود بر دیگر ملتها نیست؛ این به معنای عرضه کردن هدیه‌ی الهی به ملتها است، تا ملتها با اختیار خود، با انتخاب خود، با تشخیص خود راه درست را انتخاب کنند. راهی که امروز قدرتهای جهان ملتها را به آن راه کشانده‌اند، راه غلط و راه گمراهی است. این وظیفه‌ی امروز ما است (۹۴/۱۰/۸)

...موضوع بیداری اسلامی... پدیده شگرفی است که اگر باذن الله سالم بماند و ادامه یابد، قادر خواهد بود سر بر آوردن تمدن اسلامی را در چشم‌اندازی نه چندان دوردست، برای امت اسلامی و آنگاه برای جهان بشریت رقم زند... دومین نکته لزوم ترسیم هدف بلندمدت برای بیداری اسلامی در کشورهای مسلمان است؛ نقطه متعالی و والایی که بیداری ملت‌ها را باید سمت و سو دهد و آنان را به آن نقطه برساند. با شناسایی این نقطه است که می‌توان نقشه راه را ترسیم کرد و هدف‌های میانی و نزدیک را در آن مشخص نمود. این هدف نهایی، نمی‌تواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای

است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نو به نو بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است. تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن‌کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد (بیانات در اجلاس «علما و بیداری اسلامی» ۹۲/۲/۹)

بر همین اساس و علیرغم نگاه منفی برخی از جریان‌های فرهنگی، شرق‌شناسان و روشنفکران سکولار در امکان‌پذیری زمینه‌سازی یا حتی تأسیس تمدن اسلامی، واقعیت این است که تمدن اسلامی بر پایه آموزه‌هایی چون توحید، سعه صدر و امت‌گرایی جهانشمول، بازساخت اسلام ناب، بازسازی و نظریه‌پردازی علوم اسلامی، بینش جامع‌الاطراف به دین و دنیا و... در حال شکل‌گیری است. پایه‌گذاری تمدن اسلامی به وسیله رسول خاتم صورت گرفته و از سوی ائمه هدی پیگیری شده است و غیبت هم از مراحل تکوین حقیقی آن و تربیت نفوس مستعد آن بوده است. در این دوران، انتظار در فرآیند پیش‌رونده خود به فرهنگ مقاومتی تبدیل می‌شود که در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نیز تمدنی ظهور و بروز می‌یابد. سنجه امام منتظر برای ارزشیابی منتظران مفهومی راهبردی

است از این رو، آینده محتوم تمدن مهدوی نیازمند نگاه فعالانه و پارسایانه و برنامه ریزی شده مهدی باوران و زمینه سازان ظهور است. الگوی عصر ظهور به معنای بازگشت به اسلام اصیل در دوره غیبت است که مسیر حرکت های زمینه ساز را روشن می سازد. انتظار در وحدت بخشی بین الازدھانی و موعودگرایی موعودباوران که در نهایت، به امت واحده تبدیل میشود، نقش اساسی ایفا میکند. انقلاب اسلامی ایران با مؤلفه های دینی و امیدبخشی به مستضعفان عالم ایجاد شده است و همراه با واقعیت نگری و استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در عین تعامل با دیگر فرهنگها و تمدنهای عالم در گفتمان سازی انتظار و ایجاد هویت تمدنی اسلامی و مهدوی نقشی بی بدیل ایفا می کند. هویت تمدنی، اتصال فرهنگ به تمدن و خرده فرهنگ ها به نظام واحد جهانی است که انتظار مهدی موعود، کانونی ترین عنصر آن تلقی میشود. این بینش تمدنی باید گام به گام از فرد به خانواده و از آنجا به عرصه های ملی و فراملی تسری یابد. در این میان، تلاش برای ایجاد مقبولیت عامه جهانی در قبال این نوع روایت ویژه از تمدن، امری لازم است. عقلانیت نظام مند اسلامی، تعالی گرایی، خودآگاهی، معرفت افزایی و سبک زندگی متناسب و هم افزایی دانشی و بینشی و مهارتی برای تحقق زمینه سازی بایسته است.

کتاب حاضر منتخبی از برترین مقالات یازدهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت با موضوع فرهنگ و تمدن زمینه ساز است که در قالب بخش نقش آموزه بی بدیل مهدویت و موعود اندیشی در شکل گیری یک رهیافت ناب تمدنی در اندیشه اسلامی و نیز راهبردی برای تعیین آن را نشان می دهد. تدوین و انتشار این اثر بدون همراهی و مساعی نویسندگان محترم، موسسات و نهادهای علمی فرهنگی و حوزوی و نیز بزرگوارانی که همواره همزه وصل انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی با آرمان و اندیشه مهدویت بوده و هستند میسر نبود، از جمله این بزرگان حضرت آیه اله مهدوی کنی موسس فقید دانشگاه امام صادق(ع) بودند که

همواره در افتتاحیه همایش های دکترین مهدویت حضور یافته و به ایراد سخنرانی و بحث می پرداختند. یادشان گرامی و روحشان پر فتوح باد. در خاتمه تقدیر و تشکر بیدریغ خود و همکارانم از مساعی علمی استاد بزرگوار حوزه و دانشگاه و فاضل ارزشمند جناب حجه الاسلام و المسلمین پورسید آقایی دبیر علمی و همکاران شان در دبیرخانه همایش های بین المللی دکترین مهدویت را اعلام و مراتب سپاس و مباحثات از تنظیم و انتشار این اثر نظری و راهبردی را ابراز می کنم. بی شک این کتاب در مطالعات حوزوی و دانشگاهی مهدویت کم نظیر و در تحقیق و تحقق رهیافت و جبهه فکری تمدن نوین اسلامی بی نظیر می باشد. از حمایت های گروه مطالعات تمدنی دانشکده معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات و هدایت های مشفقانه و عالمانه ریاست محترم دانشکده جناب آقای دکتر محمد هادی همایون و نقشب که در پیوند دو مجموعه داشتند نیز تقدیر و قدردان می نمایم.

ناشران امیدوارند با انتشار این اثر و توسعه دوره های تخصصی حوزوی و دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران با موضوع مهدویت و مطالعات تمدنی و نیز گسترش تحقیقات نظری و راهبردی، گام های اصلی تحقق و شناخت تمدن نوین اسلامی به مثابه ایستگاه پیش روی انقلاب اسلامی پیموده و جان تشنگان و منتظران حیات طیبه انسان با فرج موعود امم سیراب گردد.

دکتر سید مجید امامی

معاونت پژوهشی دانشکده م. فرهنگ و ارتباطات

دانشگاه امام صادق علیه السلام

بخش سوم:

انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی و پیش‌تدنی

معرفی بخش سوم

در این بخش انقلاب اسلامی و تحلیل‌ها و مطالعات نظری پیرامون آن به عنوان حرکتی کاملاً زمینه‌ساز و مبتنی بر گفت‌وگو و اندیشه مهدویت بررسی شده است. بی‌شک اگر نتوانیم این انقلاب بزرگ را با چارچوبی مهدوی و ناظر بر انگیزه تمدن‌سازانه و سازش‌ناپذیر جامعه ایرانی اسلامی نسبت به تمدن‌تحمیلی، تحلیل کنیم، رهیافت تمدنی تاسیس نخواهد شد. نویسندگان این بخش کوشیده‌اند ظرفیت مطالعات و تتبعات در عرصه مهدویت را در تحقق این رهیافت بازخوانی و بازسازی نمایند.



تمدن نوین اسلامی؛ تجلی بازگشت و از سرگیری انقلاب محمدی (ص)

حججه الاسلام و المسلمین حسن ابوترابی^۱

مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ^۲

قرآن کریم آینده روشن جهان را در سایه تربیت انسان محب و محبوب نوید می‌دهد. اولاً به خود مسلمین هشدار انحطاط پس از شکوه و ضلالت پس از هدایت می‌دهد: مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ ... اگر شما از راه قرآن فاصله بگیرید، این انحراف از دین، بازگشتن از دین و بازگشت از فطرت پاک انسانی و روی گردانی از فطرت و عقل است. اگر انسان مشعل پر فروغ عقل را خاموش نمود و در غبار هوا و هوس حرکت کرد و از دین فرهنگ‌ساز و انسان‌ساز و خالق تمدن و حیانی فاصله گرفت، مرتد است. اما اراده خدای سبحان بر آن است که قومی آراسته به عقل و دانش و پرورده در پرتو انوار ایمان و آراسته به خصایص والای انسانی، مدیریت جهان را در دست بگیرد و در سایه بازگشتی بزرگ، راه را برای تربیت انسان هموار بنماید.

۱. نایب رئیس مجلس شورای اسلامی و نماینده مردم تهران در دوره ..

۲. سوره مائده، آیه ۵۴.

ویژگی‌هایی که خدای سبحان برای این نهضت و قوم یاد می‌کند، برای جامعه بشری، الهام‌بخش و امیدآفرین است: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ»^۱ آنان این است که محبوب خداوند هستند، این قوم، قومی در هم فشرده و متراکم، امت واحده به معنای واقعی کلمه و مقاوم در راه آرمان‌ها و اهداف و آراسته به احسان هستند و چون محسن هستند، محبوب خدای متعالند. اذَلَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ این قوم چون سر بر آستان مومنین حقیقی در چارچوب نبوت و امامت نهاده‌اند، محبوب خدا هستند. قومی هستند که راه را شناخته‌اند و در راه گام برمی‌دارند و گام برداشتن در راه، آنان را محبوب خدای متعال نموده است. پیامبر خاتم صلوات ... علیه را شناخته‌اند، فرامین او را یافته‌اند، سر بر آستان انسان‌ساز مکتب الهی او نهاده‌اند و به افتخار تبعیت از او نایل شده‌اند. در معیت رسول الله هستند که فرمود: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ»^۲. این معیت در حوزه اعتقاد و اخلاق و در حوزه رفتار، تار و پود زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی آنها را فرا گرفته است و به دلیل این معیت با پیامبر اکرم، محبوب خداوند متعالند و سخت دل‌باخته خداوند سبحان و در انتظار لقای او.

اگر بخواهیم حقیقت فرهنگ و مفهوم انتظار را تحلیل کنیم، چیزی جز انتظار لقای خداوند متعال نیست: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ»^۳. منتظران در انتظار لقای خدای سبحانند و این لقا را در مدرسه مهدویت جست‌وجو می‌کنند، نه لقای فردی. این لقا، فرهنگ انتظار را خلق می‌کند و انسان را به چهره قدرتمندی در برابر باطل تبدیل می‌کند. «والذین معه» می‌شوند «اشداء علی الکفار» یا به تعبیر دیگر اَعَزَّةٌ عَلَى الْكٰفِرِیْنَ، با انتظار، جامعه به خدای متعال معرفت پیدا می‌کند و به مقام لقای حق می‌رسد. این انتظار تنها در زمان تمدن مهدوی به فرجام خواهد رسید. ممکن است در این اعصار، افرادی مسیر کمال را طی کنند و انسان‌هایی به لقای خدا نایل شوند، اما جامعه

۱. سوره فتح، آیه ۲۹.

۲. سوره کهف، آیه ۱۱۰.

بشری در سایه حکومت مهدوی، خداشناس می‌شود و به مقام «اذلّه علی المؤمنین» نایل می‌شود. انسان موحد دغدغه هدایت انسان‌ها و حرکت جامعه را دارد و در اندیشه تعالی جامعه بشری است و با نهایت تواضع و ادب و فروتنی، بال‌هایش را زیر پای انسان‌های مؤمن و انسان‌های طالب حق فرس می‌کند. این ایمان، مراحل کمال ایمان نیست، بلکه مراحل بسیار پایین ایمان را هم فرا می‌گیرد. آن جایی که همان حقیقت فطرت شکوفا می‌شود. پیامبر اکرم به این گونه انسان‌ها دل‌باخته است. برای این انسان‌هاست که می‌رود تا جان ببازد. «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ»^۱ دست آنها را می‌گیرد و موانع را از پیش روی آنها برمی‌دارد و بزرگ‌ترین مانع فراروی تعالی و تربیت و تکامل انسان‌ها، جبهه کفر و استکبار است. به همین خاطر، «اعزّه علی الکافرین» هستند تا مانع را بردارد و راه را بگشاید. ایستادگی برابر استکبار فی الارض و نظام سلطه برای آن است که راه برای تعالی و رشد و حرکت جامعه بشری هموار شود. بزرگ‌ترین مانع حرکت بشری، قدرت‌های استکباری در طول تاریخ بشر بوده‌اند. لذا قوم زمینه ساز و تحقق بخش آرمان قرآن، اذلّه علی المؤمنین اعزّه علی الکافرین هستند؛ یعنی مقابل کفار، سرسخت، عزیز و مقتدرند. قرار گرفتن نظام اسلامی در کنار ملت‌های مظلوم منطقه مانند ملت مظلوم و تنهای یمن و فلسطین و عراق همان اذلّه علی المؤمنین است که آموزه قرآن کریم است. رویارویی نظام اسلامی با زیاده‌خواهی زیاده‌خواهان جهان برآمده از اعزّه علی الکافرین است. حرکت ملت بزرگ ایران و حرکت امت اسلام امروز در سراسر جغرافیای اسلامی برای بازگشت به هویت دینی و اسلامی خود، گامی است بلند در راستای تحقق حکومت جهانی مهدوی. حرکتی است برای دست یافتن به حقیقت این کریمه مبارکه فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ؛ این ویژگی‌ها دقیقاً بستر خلق تمدن توحیدی جهانی مهدوی را فراهم می‌آورد و پیام‌آور آن حکومت است..

۱. سوره شعراء، آیه ۳.

در ادامه آیه ۵۴ سوره مائده خداوند متعال می‌فرماید: *يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ*؛ نهایت سعی و تلاش را مجاهدت می‌نامند. این جهد هنگامی که با یک هدف عالی و فاخر گره می‌خورد و آن هدف، معرفه‌الله، لقاء الله و تحقق نظام مبتنی بر اهداف والای انبیای الهی می‌شود، می‌شود مجاهد فی سبیل الله. جهاد یعنی تلاش بی وقفه و خستگی‌ناپذیر برای خلق جامعه توحیدی و در این راه، از هیچ نهیبی نهراسیدن و در برابر هیچ تهدیدی، تسلیم نشدن.

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ... این حرکت و شکوه و عزت، راه خلق امید نسبت به آینده جهان و شکل‌گیری تمدن مهدوی را که تجلی واقعی «کلمه الله» هست و سیطره حق بر کره خاکی است، هموار نموده است. امروز به سمت افق‌های روشنی حرکت می‌کنیم که در آن نگاه توحیدی، راه را برای نگاه شکست‌خورده مادی، فرهنگ مبتنی بر مصرف و شهوت و امیال، زیاده‌خواهی مستکبران و حاکمان خودکامه، مسدود و مسیر حرکت جامعه بشری را به سوی قله‌های تعالی و تکامل هموار می‌کند. بدون تردید، جامعه بشری شاهد عبور از ادوار الحاد است و در راه رسیدن به دوران نورانی به نور ایمان و توحید حرکت می‌کند و ان شاء الله، آینده انسان، آینده ای است که خدای سبحان رقم زده است و هدف از بعثت انبیای الهی قطعاً تحقق خواهد یافت که فرمود: *«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»*^۱. این هدف والای انبیای الهی که ثمره تربیت و رشد عقلانی و علمی و تجلی ایمان در جان انسان است، محقق خواهد شد و در سایه تربیت انسان، شاهد جامعه آراسته به عدالت با محوریت عدل مجسم، حضرت ولی عصر، امام زمان خواهیم بود.

امنیت، عدالت و رفاه؛ صراط جهان اسلام بسوی تمدن سازی و پیشگامی انقلاب اسلامی

اسماعیل احمدی مقدم^۱

فرهنگ، مجموعه آداب و سنن و علوم و دانش و ارزش‌ها و هنجارها و همه یافته‌های جامعه بشری است که از طریق یادگیری، آموخته و به نسل دیگری منتقل می‌شود. بسیار خلاصه‌تر از لسان اندیشمندان می‌توان گفت که فرهنگ، فاصل بین انسان و حیوان است؛ یعنی می‌تواند انسان یاد بگیرد، پیشرفت کند و این آموخته را به جامعه منتقل کند و از جامعه‌ای هم به جامعه دیگر. این فرهنگ همچنان بالنده و رو به جلو در حال حرکت است. فرهنگ، هویت جامعه و عامل تمایز او با دیگر جوامع و شناسنامه هر اجتماع و گروهی است. اصول، هنجارها و ارزش‌ها از عناصر حقیقی هر فرهنگی است. طبیعتاً خلقت انسان هم بر اساس تفاوت در فرهنگ‌هاست و خداوند، ما را در قالب قبایل و شعوب و ملت آفرید برای شناخت یکدیگر؛ یعنی تفاوت فرهنگ‌ها در اسلام به رسمیت شناخته شده است. عنصر تقوا، عنصر محوری است برای فضیلت هر فرهنگی نسبت به فرهنگ دیگر. پس تفاوت فرهنگ‌ها عیب نیست، بلکه تعارض فرهنگ‌ها عیب است. فرهنگ‌ها

۱. فرمانده اسبق نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و استاد دانشگاه

بر اساس آداب و رسوم و محیط طبیعی و پیشینه‌های تاریخی می‌تواند به تکرر و زیبایی‌ها کمک کند. امروز جهانی شدن در سه حوزه اقتصاد، سیاست و فرهنگ توسط حاکمان دنیا و کسانی پی‌گیری می‌شود که قدرتمندند و امکانات، عمدتاً در اختیار آنهاست.

ایده تمدن مهدوی با ایده جهانی شدن فرهنگ مخالفتی ندارد؛ چرا که فرهنگ مهدوی و انتظار هم به دنبال ایجاد فرهنگ واحد جهانی است، اما درباره ارزش‌های این فرهنگ با هم مختلفیم. یکی از عناصر فرهنگ، شناخت آرمان‌هاست تا بفهمیم عامل پویایی جامعه برای دستیابی به چه آرمانی است. جهانی شدن در سایه لیبرالیسم یعنی قبول اینکه مبدأ و منتهای انسان در دنیاست و باید حداکثر بهره‌مندی از لذایذ دنیایی را داشته باشد و اگر تمتعات دنیا پاسخ‌گوی نیازهای بشر نباشد، سرآغاز منازعه و دعوا و اختلاف است. کسی برای خاک بیابان و آب دریا دعوا نمی‌کند؛ چون محدودیت ندارد. اگر اخلاق، معاد و محاسبه کنار گذاشته شود، بر سر هر عنصر محدودی نزاعی خواهد بود. احاله موضوع به اخلاق بشر کافی نیست؛ چون اخلاق، امری اعتباری است و اصالت ندارد و خود جامعه باید آن را وضع کند تا بر سر آن به توافق برسند. در این صورت، ممکن است به چنان حضیضی سقوط کنند که هم‌جنس‌بازی جزو ارزش‌های مسلم جامعه لیبرالیستی شود. این در حالی است که در فرهنگ انتظار، مجاهدت و مقاومت، صبر و جهاد، هوشمندی و تقوا، توجه به آخرت و آخرت‌گرایی و حیات طیبه در دنیا از ارکان اصلی است. شاید عدم توجه به آرمان انسان و رسالت خلقت انسان در مکتب اومانیزم و لیبرالیسم نقطه تفاوت ماست. جهانی شدن فرهنگی آنها یعنی جهانی کردن ارزش‌های لیبرالیستی در کل دنیا.

علمای فرهنگ می‌گویند فرهنگ‌سازی در جامعه دو سویه است و هم از پایین شروع می‌شود و هم از بالا. یک تمدن طبیعتاً به حکومت و قانون قرارداد، نظم و امنیت، اقتدار و عدالت نیاز دارد. درست است که اعتبار و مشروعیت این حکومت به مقبولیت و تبعیت مردم است، اما بنا به فرموده

امنیت، عدالت و رفاه؛ صراط جهان اسلام بسوی تمدن‌سازی و پیشگامی انقلاب اسلامی □ ۲۷

حضرت علی علیه السلام، سه نیاز دایمی مردم که حکومت باید به آن پاسخ‌گو باشد، امنیت، عدالت و رفاه و توسعه است. «ثَلَاثَةٌ أُمُورٌ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرًا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخَصْبُ»^۱. حضرت مراتب اینها را بیان می‌کنند. امروز اگر به سوریه و شمال عراق و یمن برویم، حرف زدن از عدالت یک کالای لوکس است، چه برسد به توسعه و رفاه. از کسی که جانش در امان نیست و آواره اردوگاه‌ها و اسیر دست تروریست‌هاست و جامعه‌اش فتنه‌زده و مصیبت‌زده است، چگونه انتظار عدالت و رفاه و آبادانی داشته باشیم؟ امنیت، مرتبه اول و وظیفه اولی هر حکومتی است. امنیت، مقدمه عدالت؛ و امنیت و عدالت، مقدمه رفاه و آبادانی است. جالب است که دولت‌های غربی رفاه و آبادانی را از وظایف خود نمی‌دانستند؛ لیبرالیسم اقتصادی یعنی اینکه این امور به عهده مردم است. امروز همه توافق دارند که بدون حضور دولت‌ها، آبادانی هم محال است و افتخار اسلام است که حضرت امیر علیه السلام چهارده قرن قبل بر این عناصر سه‌گانه تأکید دارد.

در جهانی‌سازی سیاست، زورمندان به دنبال این امور هستند. البته می‌گویند جهانی شدن یک پروسه و فرآیند است، اما بهتر می‌دانیم که جهانی شدن، پروژه و تصمیمی است که بر مردم جهان، دیکته و املا می‌شود. جهانی شدن سیاست یعنی اینکه تمام بازیگران جهانی تحت یک مدیریت باید حرکت کنند. ظاهر امر هم این است که مثل قدیم، حاکمی بنشینند و مستبدانه حکم‌روایی کند، اما امروز با قواعد حقوقی و روش‌های نرم دست و پای ملت‌ها را می‌بندند و تفسیر آن هم به عهده خودشان است. در اوکراین، اگر رئیس جمهوری خارج از کشور مطالبه حقوق کند، غیر قانونی است، اما اگر در یمن، رئیس جمهوری که هیچ پایگاه مردمی ندارد، فرار کند و دیگران و اجانب را برای حمله به ملت خودش دعوت کند، قانونی است. این دوگانگی معیارها و تفسیرهای ناصواب را چه باید کرد؟ از جمهوری اسلامی و بسیاری از کشورها در حالی مطالبه قواعد حقوق بشری می‌کنند

۱. تحف العقول، ص ۳۲۰.

که هرگز خود به آن تن نمی‌دهند. حتی امریکا در حالی قواعد انرژی هسته‌ای را فراتر از مقررات بین‌المللی از ما طلب می‌کند که اسرائیل به هیچ قاعده‌ای تا کنون تن نداده است.

تمدن اسلامی مبتنی بر عدالت، رفع محرومیت و شکوفایی استعدادهاست، نه سرکوب استعدادها و تقسیم غنایم توسط زورمداران. در قرآن هم به آن اشاره شده و نمادهای زور و تزویر هم در قرآن معلوم است. یعنی روش‌ها، روش‌های جدیدی نیست. امروز هر سه قدرت با هم به کار گرفته می‌شود برای مبارزه با مستضعفان و دربند کشیدن بیشتر. با جمهوری اسلامی که بعد از ۳۷ سال از عمر شریفش اقلای یک انتخابات داشته، مبارزه می‌کنند. برای آزادی و دموکراسی، از مستبدترین حکومت‌هایی دفاع می‌کنند که هرگز انتخاباتی را تجربه نکرده‌اند و هیچ مشروعیتی ندارند. راهبرد و مبانی حکومت و تمدن اسلامی در جهانی شدن سیاست با چیزی که آنها دنبال می‌کنند، متفاوت است.

راهبرد حداقل سه عنصر دارد: شناخت موقعیت کنونی، شناخت هدف و توافق بر مسیر. یعنی حرکت از نقطه موجود به نقطه مطلوب. در راهبرد، اول به وحدت هدف نیاز داریم؛ یعنی باید بدانیم حول چه آرمانی گرد آییم. عدالت‌خواهی در فطرت و ضمیر هر انسانی است، اگر کدر و به ظلم آلوده نشده باشد. همه انسان‌ها از مسلم و غیر مسلم به دنبال عدالت و امنیت و رفاهند. باید ویژگی‌ها و مؤلفه‌های هدف را مشخص کنیم. آرمان‌ها باید متفق علیه باشد. به تعیین هدف و توافق بر وضع موجود در اسناد راهبردی می‌گویند شناخت فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف. امروز بصیرت، عنصر کلیدی انتظار در یک منتظر است که باید بداند دشمنان امروز با فتنه‌گری در بین جوامع اسلامی چه می‌کنند. جامعه اسلامی باید یک‌پارچه رو در روی ظالمان صهیونیست و غاصبان بایستد. مسلمانان امروز در لیبی، سوریه، لبنان، عراق، افغانستان، پاکستان و یمن با فتنه‌های از بیرون تزریق شده رویاروی یکدیگر قرار گرفته‌اند و دشمن اینها را درگیر کرده است.

نقشه خاورمیانه بزرگ و شمال افریقا، استراتژی دشمن است برای تجزیه کشورهای اسلامی بر اساس مذاهب و طوایف و تبدیل آنها به قدرت‌های کوچک درگیر و متنازع با هم و متکی به قدرت‌های خارجی.

وزیر خارجه امریکا وقتی در جنگ ۳۳ روزه به لبنان حمله کردند، گفت: این درد زایمان خاورمیانه بزرگ است. پس چرا با وجود اینکه شاید هدفمان مشترک باشد، مسیرهایمان متفاوت است؟ چون موقعیت را درست نمی‌شناسیم و در شناخت تهدید اشتراک نظر نداریم، در مسیر، یک هدف را تعقیب نمی‌کنیم. دشمن و منافقینی را که در صفوف خودی رخنه کرده‌اند، باید شناخت. شناخت این موانع و فرصت‌ها، نقاط قوت و عدم مبالغه در آن و شناخت نقاط ضعف و باز هم عدم مبالغه در ضعف‌ها بسیار مهم است. باید بدانیم کسانی که امروز با پول، تبلیغات و قدرت نظامی، تکفیری‌ها را در جامعه اسلامی تزریق و تقویت می‌کنند، نفاق دارند و خائنین به جامعه اسلامی هستند. بخش اهل سنت که امروز بیشترین رنج‌ها را در سوریه و شمال عراق متحمل می‌شوند، اسرایی هستند در دست تکفیری‌ها که در زندان‌های بزرگی در حال زندگی هستند. بیشترین خسارت‌های مادی و جانی و مالی متوجه برادران اهل سنت شده است. ما از این بابت متأسفیم، ولی به دلیل پراکندگی صفوفمان، امروز داعش با عناصر محدودی رخنه می‌کند و مردم را به اسارت می‌گیرد و دیکته می‌کند که چه طور زندگی کنند که واقعا غیر قابل تصور است. حتی در نظام استبدادی، یک شاه وجود دارد که قانون می‌گذارد، ولی در نظام داعش، هر نفر در کوی و برزن خودش، قانون‌گذار و حاکم شرع و مجری قانون است و هر نفر بی‌سواد و باسواد قدرت دارد. واقعا جای غم و اندوه است.

بسیار هم نارواست که تهمت بزنییم به ایران که به دنبال شیعه‌گرایی در یمن و ایجاد کمربند و هلال شیعی در عراق و سوریه است. مگر جمهوری اسلامی، مهم‌ترین پشتیبان مردم مظلوم فلسطین در مبارزه با اشغالگری و غصب صهیونیست‌ها نیست؟ چرا آنجا این حرف را نمی‌زنیم؟ مگر ملت

سوریه، ملت شیعی هستند؟ مگر کمک به مردم شمال عراق یا اقلیم کردستان عراق، حمایت از شیعه هست؟ مگر آن مناطق، شیعی است؟ مگر امروز کسانی که حکومت یمن را طرد کردند و در مقابل تجاوز عربستان و هم‌پیمانانش ایستادند، همه شیعه هستند؟ زیدیه، بخشی از آنان هستند. بقیه شافعی‌ها و اسماعیلی‌ها هستند. کار مردمی است. امروز هم ۹۰ درصد جمعیت یمن و ۶۰ درصد جغرافیای یمن در اختیار مردمی است که در بمباران و محاصره اقتصادی است. در یمن، یک لیتر بنزین به پنج دلار رسیده است، در حالی که حقوق ماهانه کارمند دولتشان، چهل دلار است. این قدر به مردم فشار آوردند و فکر کردند می‌توانند مردم را در برابر نیروهای انقلاب قرار دهند، اما نمی‌دانستند این انقلاب، مردمی است و امروز مطالبه اول مردم، مقابله با تجاوزگری است.

اگر بخواهیم فراهم‌کننده و زمینه‌ساز ظهور حضرت مهدی علیه السلام باشیم، باید روی همین عناصری که تأکید شده، به توافق و اشتراک نظری و عملی برسیم. تصورمان این است که در بین علما، توافق آسان است؛ چون بحث علمی است. امروز علما کنار کار هستند. امروز در شمال عراق و سوریه و مناطق تحت اشغال داعش، نخبگان سیاسی روحانیت اهل سنت و سران عشایر را از دم تیغ می‌گذرانند و آدم‌های بی‌سواد، علامه و حاکم شرع شده‌اند و حکم می‌دهند. همه نخبگان اهل سنت فراری هستند. با شمشیر و ارباب و ترساندن مردم و خون‌ریزی می‌خواهند تجربه حاکمیت آل سعود را تکرار کنند. مردم هم اسرایی در دست آنها بیش نیستند. امیدواریم که هر چه زودتر مجاهدان در راه خدا و منتظران حقیقی بسترهای ظهور را فراهم کنند و همه مستضعفان جهان را از ظلم ستمگران برهانند